لوایح و مقالاتیکه با مسلک روزنامه موافقت کند پذیرفته و درج خواهد شد



روزنامه ایست اخلاقی • علم خانه داری • بچه داری • شوهرداری • مفید بحال دختران
و نسوان و ابدا از پلتیک و سیاست مملکتی سخن نمیراند

محل اداره طهران

خیابان علاء الدوله نمره ۲۴

صاحب امتیاز و مدیر

خانم دکتر کحال

عجالتا هفته یک نمره محتوی هشت صفحه

طبع و توزیع میشود

اعلانات صفحه اول سطری یک قران

صفحه آخر ده شاهی

تاریخ دهم شهر رمضان المبارک سنه ۱۳۲۸

قیمت اشتراک سالیانه

طهران	۱۲ قران
سایر ولایات	۱۵ قران
بلاد خارجه	۷ فرانک

طهران تک نمره یک عباسی

سایر ولایات ۵ شاهی

اعلاناتی که بزبان های خارجه باشد

دو مقابل اخذ میشود

پس از ارسال سه نمره ابونمان دریافت میشود

بسم الله الرحمن الرحیم

بر ارباب دانش و بینش مخفی نیست که خالق عقل و دانش و رازق کل افرینش تربیت نوع بشر را از پسر و دختر بعهده کفایت و قوه درایت امهات نهاده و این موهبت را بطایفه نسوان داده زیرا تمام موالید از حین تولید تا قرب ده سال کسب اخلاق و تربیت از مادرها مینمایند و تقلید از حالات و اخلاق انها میکنند خاصه بنات که انها نیز در اتیه امهات هستند و هرگاه مادرها صاحب اخلاق رذیله باشند ناچار اولاد صاحب اخلاق حسنه نخواهد شد پس چه باید کرد که مادرها بتوانند از عهده این خدمت بخوبی برایند ؟

باید عالم شوند که فرموده‌اند (طلب العلم فریضة علی کل مومن و مومنه) یعنی تحصیل علم و دانش بر هر مرد و زنی واجب است (اطلبوا العلم ولو بالصین) طلب کنید علم را اگرچه ان علم در چین باشد

معلوم است اسباب تحصیل علم و دانش برای اطفال مدارس است که امروز بحمدالله در این شهر پای تخت تا یک اندازه برای اطفال ذکور و اناث تهیه شده واما تحصیل علم و دانش برای اکابر و اهل بینش اسبابی بهتر از جراید نیست که در اوقات فراغت با حواس جمع بمطالعه ان مشغول گردیده از همه چیز دانا وعالم گردند

و برای اینکه بخانمهای محترمات وطن و مادرهای عزیز صاحب عقل و فطانت تعلیم خانه‌داری و شوهرداری و بچه داری نمایم و بر دانش انها بیفزایم این کمینه خانم دکتر صبیه مرحوم میرزا محمد حکیم باشی جدید الاسلام این جریده موسوم به (دانش) را علی الحساب هفته یک نمره تقدیم ارباب ذوق و دانش میسازم و برای تحصیل اخلاق حسنه خانمهای محترمه و تفریح و تفنن انها در هر نمره ترجمه بعضی رمانها یا مطایبات را مندرج مینمایم امیدوارم اقایان و خانمهای عزیز باین ناچیز مدد فرمایند که این خدمت را بخوبی بتوانم از عهده برایم وهیچ مدد و کمکی بهتر از تشویق نیست وهیچ تشویقی بهتر از این نیست که باین بضاعت مزجات مشتری شوند تا چندان ضرری که نتوان از عهده برامد بر این بی‌نوا تحمیل نشود

در واقع مشترکین این جریده میتوانند بقصد خیر این روزنامه را بخرند — خانمهائیکه سواد خواندن ندارند بر اقایان محترم فرض است که این جریده را برای انها مرحمت بخوانند تا انها نیز از این فیض محروم نمانند بلکه همین معنی سبب شود که تحصیل سواد نیز بفرمایند

حفظ الصحه اطفال

خدمت خانمهای عزیز مادر ودایه‌های اطفال عرض میشود قدری توجه فرموده این دستور العمل را تو بزرگ گوش فرمائید تا اطفال عزیز خودرا قوی بنیه و سالم المزاج عمل اورده همه روزه مبتلا بضعف مزاج و ناخوشی اطفال نباشید و محتاج بطبیب چندان نگردید .

بچه‌های ضعیف و بیمار اغلب بد خو و لجوج و گریه کن و قهر کن میشوند و نصف شب بیدار شده وگریه و زاری و بی قراری مینمایند — در خانه که چندین طفل باشد در میان انها طفل مریض نباشد همه بخوبی و خوشی با یکدیگر بازی میکنند اسباب زحمت نمیشوند برخلاف اگر یکنفر درمیان ان اطفال باشد که مزاجش علیل باشد در میان انها هزار قسم فتنه اغاز میکنند و اسباب هزار قسم زحمت میشود چنین طفل را بطبیب نشان دادن و معالجه نمودن بهتر از کتک زدن است زیرا که کتک مزاج علیل او را سالم نخواهد نمود لکن دستور العمل طبیب اورا صحیح نموده خواهید دید که دیگر ازان طفل یکسی زحمت نخواهد رسید — این هم مسلم است که علم بچه داری را دریک روز نمیتوان اموخت .

تجربه گران بها است

خانمهای جوان تربیت کننده اطفال انهائیکه اول جوانی و عمرشان است باید کوشش نمایند که علم بچه داری را از خانمهای تجربه نموده بیاموزند — ان خانمهای تجربه کرده هریک از تجارب خودرا بهزار خون دل و بقیمت گران بدست اورده اند شما از انها بقیمت ارزان خواهید خرید لکن قدر ان تجاربرا خوب بدانید .

طریقه غذا دادن اطفال

مادران و دایگان اطفال بدانند حفظ الصحه اطفال بسته بغذا دادن انها است پس باید خیلی مواظب در غذای طفل بشوند — مثلا اغلب ملتفت نیستند که گوش درد دندان درد سر درد وغش بچها از ضعف معده انها است شاید گمان میکنند بواسطه سوء هضم است اما غشوه اطفال بواسطه ترش شدن شیر در معده انها است و بدانید که اعصاب شکم و عصبهای گوش و سر و دندان باهم ارتباط دارند این است که وقتی معده فاسد شد بگوش و سر و سایر اعضاء اثر مینماید ٭

(اغذیه مناسب اطفال)

پس از ان که مطالب فوق معلوم شد برای خانمهای با عقل ودانش غذا دادن اطفال چندان اشکال ندارد و میتوانند از روی عقل و تجربه بفهمند که چه غذائی بطفلشان ساز گار و کدام یك نا گوار است چنانچه یك وقت چنین دیده شد که غذائی معین را هر وقت بطفلی تا رسید بسن ده سالگی میدادند فریاد از درد گوش می نمود و اخر بواسطه خوردن ان غذا ان پسر کر شد اگر چه درابتداء برای زنهای بی تجربه این حکایت سبب تعجب وخنده میشد لیکن در اخر معلوم گردید که در اصل عصب گوش انپسر ضعیف بود و ان غذا برایش ضرر داشت درصورتیکه بسایر اطفال همان غذا بیضرر بود پس باید مادران و دایگان با عقل وهوش باین نکته ملتفت و مواظب باشند غذائیکه بطفل نا ساز گار وناگوار است ندهند — صحت اطفال وقتی است که شکم انها بقاعده عمل نماید وقتیکه یبوست عارض طفل شود علیل میگردد دراین صورت اطفالی را که یبوست دارند بهترین تدبیر ان است که داخل شیر او قدری ماء الشعیر نمایند و علاوه شیر دهنده نیز هر وقت اب میاشامد قدری ماء الشعیر داخل ان اب نماید زیرا که اب خالص دارای مواد اهن و اهك وگچ است و این هر سه تولید یبوست میکنند — برای اطفالی که ضعیف البنیه هستند و شکمشان عمل درست ندارد تدبیر صحیح این است که بعد از خوردن غذا یك مثقال روغن ماهی بدهند واین عمل خیلی مفید است ٭

بچه را که از شیر باز میکنند باید در عرض روز بقدر پنج سه استکان چای یا اب بدهند و اگر بیش از سه سال دارد پورتغال و گلابی رسیده و سایر میوه جات بدهند لکن ان میوه را پوست [illegible] بدهند که تا مبادا پوست یا هسته ان را بخورد و هر روز صبح قبل از همه چیز یك فنجان قند اب خیلی مفید است

(باقی دارد)

ایضا

مغازه نوطهور

طهران خیابان لالهزار

کارخانه خیاطی زنانه از هر قبیل

لباس بمد تازه دوخته میشود

مسیو جس دوس

خطاب بدوشیزگان

ماها گناهکار هستیم پس نباید درپی عیبجوئی وگناه دیگران باشیم

طعنه زدن : قهر کردن . روی درهم کشیدن تمام اسباب دل شکستن است از این اخلاق پرهیز نمائید ! تمام ماها گناهکار سخت هستیم لکن بعضی اشخاص گناهشان مخفی ودر ظاهر کم است وخداوند آگاه است لازم نیست که ما بدانیم بلکه نمیتوانیم باید خودرا بی گناه نمائیم — پس باید بامردم خیر خواه باشیم و خوش روئی و خوش خلقی پیشه نمائیم — وقتیکه می بینید دختری لباس خوب در بر دارد یا شخص بان دختر میفروشد اگر خدای نخواسته چنین باشید مثل آنست که سنگی را برداشته بطرف او بیندازید شما چه میدانید که سبب نپوشیدن لباس خوب چیست شاید پول خودرا بخیرات ومبرات خرج نموده وان خرج را بهتر از لباس فاخر پوشیدن دانسته یا آنکه شاید ازمردم طلبکار بوده و نخواسته است بسختی طلب خود را وصول نماید چون سبب وجهت آنرا نمیدانید بچشم حقارت باو منگرید و چنین نظر نکنید که اگر لباس فاخر پوشیده بود همانقسم با او سلوک میکردید

باید دختران خوب همیشه درپی دلجوئی مردم باشند اگر بیمار است ازاو عیادت نموده احوال پرسی کنند اگر فقیراست دستگیری نمایند و اگر محزون است و غمی دارد اورا مشغول نمایند دیگر لازم نیست بدختران عاقل جمیع وسائل دلجوئی رایاد بدهیم یکی ازصفات خوب وتمجید تحسین است درمقابل هرخوبی که مشاهده می نمائید زیرا که یک آفرین سبب تشویق او میشود ، و دلش خوشحال میگردد و بعد از این بیشتر سعی میکند که اینکلمه را بشنود — همیشه درباره مردم خیال خوب بکنید وبدگمانیرا از خود دور نمائید و همواره نوعی رفتار کنید که گل خرمی وشادی از قلب شما نرود وهمیشه خوشحال باشید — همیشه خوشرو باشید زیراکه این حالت صدمات و زحماترا سبک مینماید گفته‌اند طوری زندگی کنید که وقتی برف حوادث بر سرتان میبارد گلهای خرمی از قلبتان نرود یعنی همیشه بشاش باشید وعبوس نباشید — خوش خلقی سبب میشود که دوستان شخص زیاد میشود و دردها کم میگردد .

تمام مردم را خداوند برای فایده خلق فرموده بگذارید که عنایات الهی نزد ما ضایع نشود نعمتیکه خداوند برای ما گران بها فرموده جان است ووقت این دو نعمت بزرگ را نگذارید ضایع بشود وباید درقبال از این دولت خیلی فایده عاید ما بشود باید طوری اعمال ما از صمیم قلب وبی‌ریا باشند که وقتی مردیم مردم از فوت ما اسف بخورند .

تو چنان زی که چه مردی برهی
نه چنان زی که چه مردی برهند

اگر ما دردنیا وظایف خود را عمل نمائیم وکار نیک نکنیم دردنیا بگردش آسمان قانونی حاصل نمیشود لکن در آخرت معلوم میشود که چقدر بد کرده ایم ما میتوانیم همه روزه بواسطه اخلاق حسنه از گناهان خودمان بکاهیم و میتوانیم بواسطه اخلاق رذیله بر گناهان خود بیفزائیم چقدر سعادتمند است کسیکه همیشه اخلاق حسنه تحصیل نماید ودردنیاو آخرت راحت باشد مگر نعمتی بالاتر ازخلق خوش دردنیا وجود دارد

(بقیه دارد)

خانه‌داری

خانمها باید این نکته‌را خوب ملتفت بشوند که آنها مستحفظ و حافظ مال شوهر هستند که درواقع مال خودشان است تمام نیک بختی و سعادت خانه بسته بحسن کفایت ودانش خانم خانه است هرگاه خانم خانه لاابالی وبی کفایتی

باشند ناچار سایر خدام دلسوزی نخواهند داشت — بندرت اتفاق می‌افتد که خانمها غیر از خانه داری و مراقبت باوضاع خانه کار دیگر داشته باشند پس باید خیلی اوقات شریف را مصروف نظم خانه داری نمایند از جمله پسندیدن اشیائی است که وارد خانه میشود اگر خانم باین عمل اعتنا نکند نوکرها که میخرند دقت نخواهند نمود همیشه اهل ان خانه دچار اشیاء وامتعه بد خواهند بود وهمچنین در قیمت انها نیز باید خانم دقت نماید که مغبون نشود — خانم نباید الت دست خدمت کار بشود یعنی خدمتکارها براو مسلط شوند اگر چنین شود ان خانه از نظم و تربیت می‌افتد — البته نمیتوان بخانمهای محترمات تعلیم تجربیات خانه داری را اموخت الکن وقتیکه خانم اهل دانش باشد عقل خودش همه چیز را باو یاد میدهد خاصه در صورتیکه تجربه هم بران مزید شود پس برخی خانمهای مجرب است که نتیجه درعلم وتجربه خانه داری اموخته اند بجوانهای بی تجربه بیاموزند — خانمهای جوان در اول مرحله زندگی باشکالاتی برمیخورند ولکن بواسطه عقل و کیاست و دانش و فراست خیلی زود رفع اشکالات میکنند وپس از رفع اشکالات زندگی برای انها اسان میگردد — خانه داری بحسن و جمال زن و محبت شوهر نیست بلکه فقط بسته بحسن کفایت و عقل و درایت است زن درخانه یا فرمانده است یا فرمان بر فرمانده باید زمام امور خانه را محکم در دست بگیرد که حاجت بکار بردن تازیانه نشود وهرگاه زن بواسطه کاهلی یا جاهلی یعنی بواسطه لاابالی گری یا نادانی زمام امور را از دست داد ناچار ان زمام بدست کلفت خواهد افتاد وشوهر ناچار محتاج کلفت میشود و خانمی ازان زن از میان میرود — خانم خانه دار زودتر از کلفت از خواب برخواسته مشغول نماز میشود اگر کلفت مایل بخواب باشد شرم وخجالت اورا ازخواب برمیخیزاند و برعکس هرگاه خانم دیر از خواب برخیزد کلفت دیرتر برمی‌خیزد مسلم است خانم وقتیکه صبح زود ازخواب برمی خیزد پس از نماز صبح بکاری که میکند ترتیب اسایش شوهررا فراهم می‌اورد چای برای او حاضر میکند انچه از عادات اوست ازاکل وشرب انوقت درپی تنظیف خانه واطاقها میرود و

پس از ان بتهیه غذای نهار مشغول میشود و وقتیکه شوهرش میخواهد از خانه بیرون برود در لباس او دقت میکند که پاک و پاکیزه باشد — خانم باید با کلفتها بخوش روئی برخورد نماید ایراد بی جا نگیرد وخصوصا در غذای کلفت ونوکر دقت نماید زیرا که وقتی غذای انهارا بمیل انها و خوب داد انها هم دلسوزی در کارها خواهند نمود والا مکدر میشوند (بقیه دارد)

◄ رسم شوهر داری ►

یکی از خانمهای عاقله دنیا درموضوع فوق مطالبی نوشته که خیلی عاقلانه و حکیمانه است و ما محض خدمت به خواتین محترمات انها را بتدریج در این جریده منتشر میسازیم .

خانم میگوید هرگز وعده که بشوهر میدهید خلف نکنید مگر با عذر موجه زیرا که خلف وعده موجب رنجش خاطر میشود .

دیگر اینکه همه روزه از شوهر پول نخواهید زیرا که پول خواستن سبب خفت خواهنده وانزجار قلب شوهر میشود برای مخارج لازمه خودتان ماهیانه قرار بگذارید که فقط ماهی یکدفعه مطالبه انرا بفرمایید ؟

مثلا اگر همه روزه بیک عنوانی از شوهر پول بخواهید یک روز باسم لباس خود و یک روز هم لباس بچه‌ها و یک روز برای چیز دیگر انوقت اگر یکروز چهارقد قشنگ سر کنید چون شوهر میداند که اکنون پول قیمت اورا خواهید خواست بان چهارقد نگاه نمیکند ولکن وقتیکه ماهیانه قرار دادید چون شوهر اطمینان دارد که زاید ازماهیانه ازاو نخواهید خواست هر وقت لباس نو بپوشید مورد توجه شوهر شده بخوبی انرا تماشا خواهد نمود

دیگر میگوید بعضی خانمهارا سراغ دارم که اولاد را پیش ازشوهر دوست میدارند و اغلب در درستی اولاد باشوهر جدال میکنند و این خبط عظیم است و دلیل طبیعی ندارد زیرا که اول شوهر است دوم اولاد تا شوهر نباشد اولاد حاصل نخواهد شد پس ناچار باید شوهررا پیش ازاولاد دوست داشت مثلی است مشهور اول اب بود بعد از ان دندان امد .

خانم معزی الیها میگوید هیچوقت نزد کسی ازشوهر

بدگوئی نکنید خاصه نزد قوم وخویشها زیرا بتجربه معلوم گردیده که اگر از شوهر گله حاصل شده وقتیکه دردل نگاهداشتی وبکسی مذاکره ننمودی بعد ازیکهفته ترتیبی پیش میاید که بکلی رفع آن شکایت میشود و از دل بیرون میرود و فراموش میگردد لکن وقتی بکسی اظهار کردی آن شخص نمیگذارد آن شکایت فراموش شود و از میان برود ـ بعلاوه وقتی که شکایت شوهر را بمردم کنی ناچار بگوش شوهر میرسد و از شما مکدر خواهد شد ـ لکن از خواص مرد است که شکایات خودش را از زن علی العلاوه بکسی اظهار نمیکند •

خانم میگوید زن باید اقوام شوهر را بیشتر مهمان نموده و بهتر از اقوام خودش آنها را پذیرائی نماید زیرا که مرد از این مطلب خوشحال میشود •

خانم محترمه میگوید در ترتیبات راحتی شوهر مواظب باشید مثلا غذای او را بوقت حاضر نمائید و درزمستان کرسی یا بخاری اورا گرم و حاضر بدارید اطاق را پاك و تمیز نگاهدارید کلیه طوری باشد که وقتی مرد وارد خانه میشود از هر جهه راحت باشد وطوری اسباب راحت خود را در خانه خود به بیند که با کمال میل و رغبت وارد خانه بشود نه اینکه پس از ورود یکی یکی مطالبه اسباب راحت خود را بنماید مثلا او بگوید آتش بیاورید یا ناهار بیاورید یا شام بیاورید در این صورت از ورود در خانه راضی نخواهد بود •

خانم مشار الیها میگوید شما اگر از جائی دلتنگی دارید وقتیکه شوهر وارد خانه شد با روی گشاده او را استقبال نموده تعارفات رسمانه را بجا بیاورید و آن اوقات تلخی را پنهان نمائید مبادا مرد بیچاره هم ازجای دیگر اوقاتش تلخ باشد وقتیکه خانه آمد بر اوقات تلخی او بیفزاید و حال آنکه باید رفع اوقات تلخی از او بشود

میگوید خانم نجیبه محترمه اگر سواد ندارد باید فوراً در پی تحصیل سواد برآید و درس بخواند زیرا که زن بی سواد صاحب عقل وتمیز نخواهد شد واگر سواد دارد باید بیشتر اوقات خویش را مصروف روزنامه خواندن نماید بجهت اینکه کسیکه روزنامه میخواند همه چیز میداند •

میفرماید اگر ازشوهر کاری دیدی که یا حقیقتاً غلط است ویا بعقیده شما غلط است بروی خود نیاورید و ایراد باو نگیرید زیرا از آن ایراد شوهر مکدر شده باعث سبب میشود که بعد از این کارهای خودش را ازشما پنهان میکند و شما از کارهای او بی اطلاع خواهید شد

(بقیه دارد)

﴿ فواید نور آفتاب عالم تاب ﴾

لازم شد از فواید نور عالمتاب آفتاب که هرساعت بما ساکنین ارض عاید میگردد شمه بیان نمائیم تا مطالعه کنندگان محترم شکر این نعمت بزرگ الهی را بجا بیاورند و بدانند که تقریبا همه چیز ما بسته باین نور است صحت ، حیات ، فرح ، تمام از اثر پرتو این نور خدا داده است • فوایدی که باشجار و نباتات واثمار میدهد برهمه واضح و مشهود است که چطور شاخ وبرگ درختان خودرا به پرتو آن نور حیات بخش میگشایند واما فایده و منفعت او بابدان انسان نیز بدرجه ایست که فوق ازمتصور نیست چنانچه بتجربه معلوم کرده ایم که محبوسین همینقدر که چند صباحی از تابش این نور بر ابدانشان محروم میمانند مزاجشان ضعیف و بلکه علیل میشوند

جای افسوس است که هنوز قدر این نعمت خداداد را ندانسته ایم چنانچه اگر از روزنه اطاق آفتاب بداخل اطاق بتابد نورا بواسطه بستن در یا آویختن پرده اورا منع مینمائیم تا مبادا فرشهای ما بواسطه تابیدن آفتاب ازرنگ و رو بیفتند و نمیدانیم که میکروبهای مضر حفظ صحت بواسطه آفتاب کشته میشوند و اطاقیکه در او آفتاب بتابد ازآن جانورها محفوظ میمانند دراین اواخر دکترهای بزرگ کشف نموده اند که یکی ازمعالجات مرض سل نشستن در آفتاب است همین قسم که آفتاب درصحت مزاج مدخلیت دارد دراخلاق انسان نیز تاثیر مینماید چنانچه بتجربه معلوم گردیده اشخاصی که درممالك مشرقی نشو و نما میکنند بشاش تر و خوش خلق تر هستند از آنهائیکه در بلاد مغرب و در شهرهای کم نور زندگانی مینمایند البته همه کس خوب ملتفت هستند که درهوای صاف انسان خوشحالتر از هوای تیره و ابر است چرا بواسطه همین که درهوای

ابر از اشعه افتاب محروم هستیم باین است که کدرو
غمگین میشویم — پس باید بعد از این مواظبت نمائید
تا قدری از اشعه افتاب را در اطاق مسکونی خودتان داخل
فرمائید که نفع کثیر دارد هرگاه افتاب بزمین نتابد
تمام ساکنین ان تلف خواهند شد

انسان نباید خود را از هوای تازه محفوظ نماید چنانچه مثنوی میفرماید
گفت پیغمبر باصحاب کبار   تن مپوشانید از باد بهار
انچه با برگ درختان میکند   با تن و جان شما ان میکند
و مخصوصا در فصل زمستان لازم است که درهای اطاق مسکونی را
هر روز یکدفعه باز نمایند تا هوای تازه وارد اطاق بشود
و در واقع هوای کثیف شده اطاق خارج بشود و این
عمل برای حفظ صحت خیلی مفید است   تجربه دارد

❮ ملکه و پنجره های سحری ❯

دریکی از شهرهائیکه واقع است در پشت کوه قاف شاهزاده
خانمی بود در حسن و وجاهت بی نظیر فرمان داد تا تمام
حصارهای شهر را جمع نموده قصری بنا کردند که بر
تمام ان شهر مشرف بود و دوازده پنجره بران تعبیه
نمود که انچه در شهر بود از منظر ان پنجره ها مخفی
نمیشد و در واقع این یکنوع سحری بود و برای هر
یک ازان پنجره ها درجه قرار داده بود که اگر چیزی
از پنجره اول مرئی نمیشد ممکن بود از پنجره دوم دیده
و هرگاه از تمام ان پنجره ها دیده نمیشد لامحاله از پنجره
دوازدهم میدید و امکان نداشت که چیزی دران شهر
یافت شود و بر دیده ان از پنجره ها مخفی باشد — این
شاهزاده خانم شوهر اختیار نمیکرد زیرا که میخواست
هیچکس بسلطنت او شریک نباشد و ضمنا اعلان نمود که
هرکس بتواند خود را دراین شهر مخفی نماید که من
اورا نبینم ان شخص قابل زوجیت من است (چون
میدانست امکان ندارد) و هرگاه کسی داوطلب میشد
و ازعهده برنمی امد سر اورا بریده بمنارهائیکه در
اطراف قصر تعبیه نموده بود می اویخت — ازقضا جمعی
از محترمین ان شهر باو طلب گردیده و چون از
عهده نتوانستند برامد سرشان مناره اویخته گردیده و
بعد ازان کسی را یارای این اقدام نشد و مدتها گذشت
که هیچکس جرات خواستگاری ملکه ننمود پس از
چندی سه برادر که اطمینان بطراری و عیاری خود
داشتند داوطلب گردیده امدند و عرض کردند ما
میتوانیم خود را از منظر ملکه پنهان کنیم ملکه با انها
شرط کرد که اگر نتوانستند سر انها را بریده بمناره
بیاویزند ان بیچاره قبول کرد یکی از انها خود را در
چاه بسیار عمیقی پنهان نمود ملکه اورا از پنجره دوم دید
حکم کرد که ان شخص را از چاه دراورده سرش را
بریده بمناره اویختند — یکی دیگر خود را در زیر
زمین همان قصر پنهان نموده ببرادر بزرگ خود ملحق
شد برادر سیم که این طور دید و ازان دو برادر
وجیه تر و زیرکتر بود بحضور ملکه امده بخاک افتاد
و استدعا نمود که اولا سه روز باو مهلت مرحمت
بشود و بعد از سه روز پنهان شود تا سه نوبت در
نوبت اول و دوم ملکه اورا نکشته و در نوبت سیم
مختار باشد ملکه اتفاق مستدعیات اورا قبول نموده
جوان مرخص شده بخیال صید و شکار با افتاده تفنگ
خود را برداشته رفت در میان جنگل کلاغی را دید خواست
هدف گلوله نماید کلاغ فریاد کشید که ای جوان از خون من
درگذر که وقتی حاجت ترا بر اورم جوان قبول کرده ازاو
گذشت رفت برلب دریاچه ماهی بزرگی را دیده خواست
او را هدف تفنگ نماید ماهی نیز مثل کلاغ همان حرف را
گفت جوان از او هم گذشته بروباهی بر خورد خواست
او را صید نماید روباهم همین حرف را زده از او نیز
درگذشته بمنزل با دست خالی مراجعت نموده تا روزی
که وقت مخفی شدن او شد رفت در جنگل بکلاغ
بر خورد ماجرا را بیان نمود کلاغ پس از قدری تامل
گفت همین جا تامل کنید تا من بیایم پس از ساعتی
کلاغ تخمی در منقار وارد شد. تخم را ازمیان دوتا کرده
جوان را امر نموده که در میان ان تخم رود چون جوان
داخل ان تخم شد کلاغ سر انرا بهم اورده بر داشته
و به لانه خود برده پنهان نمود ملکه از پنجره جوان
را دیده فرستاده تا کلاغ را کشته تخم را بحضورش اوردند
ملکه امر نمود تا تخم را ازهم باز نموده جوان را بیرون
اورده ملکه قاه قاه خندیده بجوان فرموده ترا بر حسب
وعده این دفعه بخشیدم لکن سعی کن تا در دفعه ثانی
خودت را بهتر از اینها پنهان کنی جوان سرخجالت بزیر
انداخته رفت روز دیگر بقصد پنهان شدن از خانه بیرون

آمده حیران و سرگردان بحرکت تا لب دریاچه رسید. آن
ماهی بزرگ را ملاقات نمود ماهی چون جوان را حیران دید
سبب پرسید جوان ماجرا را بیان کرد ماهی گفت چاره
جز این نیست که من تو را ببلعم و بته دریاچه روم جوان
راضی شده ماهی چنان کرد که گفته بود ملکه از هر یک
از آن پنجره‌ها نگاه کرد جوان را نیافت ناچار نزدیک
پنجره دوازدهم رفته جوان را در شکم ماهی دید فرستاده
آن ماهی را صید نموده آوردند شکمش را باز کرده جوان
را بیرون آورد و گفت ای جوان باخبر باش که در دفعه
سیم اگر همین قسم‌ها پنهان بشوی سرت زینت کنگره
خواهد شد جوان از شدت خجالت جواب نگفته رفت
چون روز دیگر شد بخیال پنهان شدن با خاطر پریشان
میرفت که ناگاه روباه را ملاقات نموده شکایت را بیان
نموده روباه پس از اندکی فکر و تامل گفت بهمراه
من بیا جوان همراه روباه رفته تا لب چشمه رسیدند
روباه فورا بآن چشمه غوطه‌ور شده وقتیکه بیرون آمد
بصورت انسانی شده بود بجوان گفت تو نیز در میان
آب برو جوان در میان آب فرو رفته وقتیکه بیرون آمد
خود را بشکل بوزینه دید روباه او را برداشته بنزدیک
قصر رفت ملکه چون دید شخصی می آید و بوزینه
همراه دارد فرستاده و آن بوزینه را خرید روباه بآن
بوزینه گفت هر وقت ملکه میخواهد به پنجره نگاه
میکند تو فورا در زیر گیسوهای ملکه پنهان بشو که تو را
نخواهد دید جوان باین دستور عمل کرده ملکه هر وقت
پشت پنجره میرفت جوان در گیسوی او پنهان میشد از
پنجره اول و دوم و سوم الی دوازدهم ملکه هر چند نظر
نمود جوان را نیافت از غیظ پنجره را شکسته بوزینه را
از خود دور نمود بوزینه رفت تا خود را بروباه رسانید
روباه او را برده سر آن چشمه دوباره در آب هر دو غوطه‌ور
شدند و هر دو بشکل اولیه خود عودت نمودند جوان آمد
بخدمت ملکه ملکه ناچار او را بشوهری خود اختیار
نمود جوان پادشاه آن شهر و مملکت گردید و هیچوقت
جوان این مطالب را بملکه بروز نداد که بچه ترتیب از
ملکه پنهان شده او خیال میکند که فقط بواسطه عقل
و تدبیر خود او دیده نه اینکه از روباه تعلیم گرفته باشد.

(مطایبات)

جوانی بدکان سمساری یهودی رفته شلوار بخرد سمسار
چند جفت شلوار آورده که هر کدام را میخواهی بردار جوان
یکی از آنها را برداشته پوشیده گفت حیف که کم
رنگ است سمسار گفت اینجا زیر سقف است از این
است که بنظر این شلوار کم رنگ می آید برو نزدیک
روشنائی آنوقت نظر کن ببین تا چه اندازه پر رنگ
است جوان نزدیک روشنائی رفته فرار کرد سمسار
بنای داد و فریاد را گذارده که آهای دزد را بگیرید
پلیس خبر شده تفنگ برای جوان کشید سمسار دست
پلیس را گرفته که می ترسم گلوله بپایش بخورد و
شلوار من سوراخ شود.

＞ ایضا ＜

نصف شب طفلی در خانه نجاری را کوبیده فریاد کرد
که ای استاد تو را بخدا زود اسبابت را برداشته بخانه
ما بیا نجار از خواب پریده آمد دم در گفت پسر
جان برای چه میخواهی گفت پدرم یک تخت خواب
خریده که تا میشود امشب رفت که روی تخت بخوابد
تخت تا شده پدرم میان آن مانده نمیتواند بیرون بیاید

＞ ایضا ＜

شخصی دو تک قرانی بنوکرش داد که یکی را نان
بگیرد و دیگری را قند نوکر آنها رفت بازار و مراجعت
نموده از آقایش پرسید که کدام یک از این دو تک قران
مال نان است و کدام یکی مال قند

＞ ایضا ＜

در فصل زمستان گل زیادی کار کوچه جمع شده بود
یکی از رنود آن کوچه اعلانی بدیوار چسبانید که .
طفلی هشت ساله گم شده و آن را میان این گلها دیده‌اند
که تا سینه فرو رفته بود هر کس آن طفل را پیدا کند
من سیصد تومان بو میدهم مردم از بس میان این
گلها برای پیدا کردن این طفل گردیدند گلها برداشته شد

＞ ایضا ＜

شخصی در رودخانه غرق شد رفیقش خواست قسمی
عیالش را خبر بدهد که هول نکند کاغذی نوشت که خانم
امشب شوهر شما بخانه نخواهد آمد برای اینکه لباسهایش
در رودخانه غرق شده و خودش نیز در میان آن لباسها بود

＞ خانم دکتر کحال ＜

＜ طهران، مطبعهٔ شرق ＞